

پنجاهمین سالگرد تولد زانتسکانه



گابریلا میسترال

شاعر و انسانگرا



گابریلا میسترال در ۷ آوریل ۱۸۸۹ در روستایی در شمال شیلی به دنیا آمد و در سال ۱۹۵۷ در نیویورک درگذشت. او زندگی‌اش را وقف تلاش‌های فکری و معنوی کرد. داستان زندگی او از نخستین روزهای کودکی‌اش در دره آلکورس شیلی تا سفرهایش به اروپا در جریان مسافرت‌های فرهنگی و دیپلماتیک، به افسانه شایع دارد. دخترک بی‌نوی دهقان، افتخار ادبیات امریکای لاتین می‌شود و آسوزگار فرعون روستاها جایزه‌های بزرگ جهانی و از جمله جایزه ادبیات نوبل در سال ۱۹۲۵ را می‌برد.

شعر گابریلا میسترال از مجموعه دوسلاسیون (دربشانی) در سال ۱۹۲۲ نا لاگار (The Wines of Press) در سال ۱۹۵۲، زبانی نیز، نیرومند و محاوره‌ای دارد. شعرش همانند آثار مستور نم‌آوازش آسخته با حس تسلیم و پیشگوییانه

دربارهٔ سرشودت امریکای لاتین است. اسما خوانندگان در اروپا و سرزمین‌هایی با فرهنگهای مختلف همچون اسرائیل، چین و ژاپن نیز در انسانگرایی و شعریت آثار او متعاضا می‌جویند. در کتابها، رساله‌ها و بررس‌های شعری و فلسفی بسیار می‌توان تأثیر این نویسندهٔ امریکای لاتینی را از کنسوری که فقط طرف نیم قرن سه نویسندهٔ بزرگ جهانی خلق کرده است (گابریلا میسترال، ویسنته شویدور، و پساپلوترودا) باز جست.

چرا کار گابریلا میسترال اثر جهانی داشت؟ همانند هر هنرمند خلاق راستینی، وابستگی او به دنیای آشنایش مانع احساس نیرومندی نسبت به زبانها و فرهنگهای دیگر نشد. او خود را نه فقط به سنت نرزا و شاعر اسپانیایی لوئیس د گونگورائی آرونکو، بلکه به دانسته و اسپنهورانات ساگور و

نویسندگان بزرگ روس، و به رغم مسیحی بودنش به بزرگان آیین بودا مطبوع می‌دانست. گابریلا میسترال که نامش با نام سرزمین و مردمش گره خورده است (همن دختر سرزمین هشتم و خواهم بوده) تجربهٔ شخصی‌اش را با لحن و آوایی بیان می‌کرد که همهٔ اساتذها بازمی‌شناختند. او از ماجرای عاشقانهٔ نرزا یکس سرودی از عشق و ملاحظت برکشاد که با سردمان جاهای مختلف حرف می‌زند. در همدردی‌اش با ستمدیدگان و آماجگ‌اش برای دفاع از آرمان انسان، شمس و انسانگرایی یکی می‌شود. «باید روان را با تمام شدتش به بیان درآوریم و بیامیهای را که از قلب برمی‌جوشند پیش از آنکه قلب از تیش بازایستد نجاغانه ادا کنیم»

این متن از مقاله‌ای نوشته گاستون فسون دم پوسده استاد دانشگاه مخره پوپلین میلی، گرفته شده است.